**انترناسیونال ۶۴۲**

**کاظم نیکخواه**

**من شارلی ابدو هستم**

یک سال از ترور کاریکاتوریست ها و نویسندگان مجله فکاهی شارلی ابدو در پاریس گذشت. روز ٧ ژانویه سال گذشته یعنی در چنین روزی دو تروریست اسلامی به دفتر مجله شارلی ابدو هجوم بردند و ١١ تن از دست اندرکاران این نشریه و یک پلیس محافظ را به رگبار بستند. شاخه یمن القاعده مسئولیت این ترور را بعهده گرفت. این دو تروریست بعدا توسط پلیس به قتل رسیدند. بیاد کاریکاتوریستهای شارلی ابدو روز ١١ ژوئن بیش از ٢ میلیون نفر با شعار من "شارلی ابدو هستم" در پاریس و حدود ٤ میلیون نفر در شهرهای دیگر فرانسه گرد آمدند و دهها میلیون نفر در سراسر جهان نسبت به جنبش کثیف اسلامی و جنایتکاران اعلام انزجار کردند و همبستگی خودرا با شارلی ابدو اعلام داشتند.

چند سال است دنیا عرصه تاخت و تاز تروریستهای اسلامی شده است. این نیروها هرگونه مخالفت، انتقاد، تفاوت نظری و طنز و نقد اسلام را با گلوله پاسخ میدهند. منطقی جز ترور و کشتار هرکس که مخالف اینها است برای اینها وجود ندارد. آیا دلیل این حرکت روشن نیست؟ اینکه پشت جریانات اسلامی نظیر القاعده و طالبان و داعش نهادها و دولتهایی مثل عربستان، ترکیه، سیای آمریکا و قطر و مرتجعین دیگر قرار دارند روشن است. اما همه کس میفهمد که نیروهایی تا دندان مسلح شده اند و میخواهند مغزها را از کار بیندازند، منطق و تفکر را کور کنند، مغزها را تعطیل کنند. و مردم دنیا را مجبور کنند که به زور اسلحه و از ترس جانشان مثل آنها فکر کنند یا به دین و آیین عهد عتیقی آنها اعلام وفاداری کنند و تمکین نمایند. نفس همین حرکت آشکارا بیانگر اینست که اینها خودشان هم میفهمند که به ته خط رسیده اند. نابودی و مرگ جنبش و ایدئولوژی خودرا می بینند و با بیرحمی تمام دارند آخرین زور خودرا میزنند که خودرا زنده نگه دارند. دنیای کنونی دنیای علم و تکنولوژی و تفکر و استدلال است. دوره خرافه و محمد و عیسی و موسی و معجزات و احادیث و توضیح المسائل خمینی و امام زمان و خر دجال و اراجیف نیست. مردم مغز دارند. فکر میکنند. ایده های عقب مانده هرچه هم مدافعین بیرحم و خونخواری داشته باشند جایشان در زباله دان است. مردم دارند هر روز اینها را دور میریزند و به ایده ها و باورهای مدرن و مناسبات امروزی و انسانی روی می آورند.

کاریکاتوریستهای شارلی ابدو و همه انسانهایی که بعد و قبل از آنها قربانی آدمکشان اسلامی شدند متاسفانه زندگیشان را از دست دادند و دیگر باز نمیگردند. اما هیچگاه فراموش نمیشوند. جان و زندگی آنها و همه هزاران انسانی که در سوریه و عراق و پاریس و نیویورک و مادرید و جاهای دیگر قربانی شدند بهایی است که بشریت برای عبور از توحش و تحجر میپردازد و راه پیشرفت و ترقی و دستیابی به بهبود و پیشرفت و خلاصی از شر مفتخوران و مرتجعین را باز میکند. بهای سنگینی است. اما عقبگردی در کار نیست. ذره ای تردید نیست که این دوره توحش گذراست. بشریت ناچار است اینها را جارو کند و جارو خواهد کرد. نیروهای اسلامی و مرتجع و عقب مانده و متحجر هرچه اسلحه و پول هم داشته باشند و هر دولت و سازمان جاسوسی ای هم که پشت آنها باشد میتوانند اشکها را جاری کنند، کودکانی را بی پدر و مادر کنند، آه و افسوس و درد و رنج را به میان خانه ها ببرند، اما نمیتوانند روند پیشرو جوامع بشری و گذار بشر از عقب ماندگی را متوقف کنند.